

میراث

تعرض به عرصه تپه باستانی «مورد راز»

سیاوش آریا

پژوهشگر تاریخ ایران، کتشنگر و پژوهشگر میراث فرهنگی

دست‌درازی به عرصه و حریم تپه باستانی و ارزشمند نامدار به «مورد راز» در شهرستان بویراحمد، این یادمان تاریخی-فرهنگی را در سراسیبهی نابودی قرار داده است. ساخت سازه‌ای بدون مجوز بر روی عرصه تپه‌ای که به ثبت ملی رسیده، مایه شگفتی و افسوس بوده و تعرضی آشکار به یادگار ملی و تاریخی است. تپه باستانی نامدار به «مورد راز» که از آن دوران تاریخی است (یعنی از دوره ماد تا ساسانی را در بر می‌گیرد) در شهرستان بویراحمد، بخش مرکزی، دهستان سر رود جنوبی و یک‌کیلومتری روستای مورد راز که زیرمجموعه استان کهگیلویه‌وبویراحمد به شمار می‌آید، جای گرفته است. این تپه باستانی با شماره ۲۴۵۴ در تاریخ ۱۱ دی‌ماه ۱۳۸۰ خورشیدی به ثبت ملی رسیده است.
باین‌همه، تپه باستانی و ارزشمند «مورد راز» به حال خود رها شده و مورد دست‌درازی‌های گوناگونی قرار گرفته است. از کندوکاوهای غیرمجاز سودجویان و قاچاقچیان بیمار بر روی تپه به بهانه‌های پوچ و خیال‌انگیز کنجی که هیچ‌گونه وجود خارجی ندارد و توهمی بیش نیست، تا پیشرفت زمین‌های کشاورزی تا نزدیکی یادمان ملی و برداشت گل و خاک از تپه باستانی و کوچک‌شدن محوطه آن، فقط بخشی از دست‌درازی‌هایی که دامان این تپه تاریخی و ملی را گرفته است. اما بدتر از همه، ساخت‌وسازهایی است که بر روی حریم و عرصه تپه باستانی «مورد راز» انجام گرفته که تعرضی آشکار به یادگار ملی و تاریخی و فرهنگی به شمار می‌آید. در بازدید میدانی نگارنده و بنا به گفته روستائیان، بارها ساخت‌وسازهای بدون مجوز بر روی تپه تاریخی «مورد راز» صورت گرفته و اداره میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی شهرستان بویراحمد با دادن هشدار و اخطار از دنباله کار آنها پیشگیری کرده است. ولی پس از گذشت مدتی ساخت‌وسازها از سر گرفته شده است. این سخنان مردم روستا بیانگر ضعف در اجرای قانون است، زیرا قانون و ضابطه‌های میراث فرهنگی شفاف و روشن و آشکار است و هرگونه دست‌درازی به یادمان‌های تاریخی که به ثبت ملی رسیده‌اند، تخلف به شمار می‌آید و پیگرد قانونی دارد. بنا بر ماده ۵۵۸ از قانون تعزیرات، هرکس به همه یا بخشی از بناها، اماکن، محوطه‌ها و مجموعه‌های تاریخی-فرهنگی یا مذهبی که در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است یا تزیینات، ملحقات، تأسیسات، اشیا و لوازم و نوشته‌ها و نقش‌های منسوب یا موجود در مکان‌های نام‌برده که مستقل‌نیز دارای حیثیت فرهنگی-تاریخی یا مذهبی باشد خرابی وارد آورد، افزون بر جبران خسارت وارده به زندان از یک تا ۱۰ سال محکوم می‌شود. همان‌گونه که می‌بینیم، قانون روشن و شفاف است و ضعف در اجرای قانون از سوی نهادهای مربوطه است. آنچه در خور بررسی و نگرش است، اینکه از سبب دست‌درازی‌های گسترده بر روی تپه، فقط با یک سفال در سطح محوطه روبه‌رو شدم و برای اطمینان از تاریخ‌گذاری این سفال، آن را برای یک باستان‌شناس فرستادم. لیلا فاضل، دکترای باستان‌شناسی با گرایش دوران تاریخی پس از دیدن این تکه سفال گفت: «این قوم سفال بیشتر در دوره ساسانی رایج است. هرچند این نمونه سفال در دیگر دوره‌های تاریخی هم گاهی دیده می‌شود. اما به گونه کلی از فرم‌های رایج در دوره ساسانی است».

بازتاب

پاسخ شرکت کشاورزی و دامپروری روانسر به «شرق»

شرکت کشاورزی و دامپروری روانسر به گزارشی که در سیزدهم شهریورماه با عنوان «پشت‌پرده یک پرونده زمین‌خواری و آوارگی ۵۰ خانواده در شهرک حسن‌آباد روانسر» منتشر شد، واکنش نشان داد. در متن ارسالی این شرکت به روزنامه «شرق» آمده است: «شرکت کشاورزی و دامپروری روانسر، به عنوان یکی از واحدهای تولیدی و خدماتی فعال در منطقه اورامانات، با تولید روزانه شیر خام، پرورش تلیسه، تولید گوشت قرمز و ایجاد اشتغال مستقیم برای حدود ۱۲۰ نفر و غیرمستقیم برای بیش از ۵۰۰ نفر، نقش مؤثری در رونق اقتصادی استان و به‌ویژه منطقه اورامانات ایفا می‌کند. بدین‌وسیله نسبت به گزارش منتشرشده در تاریخ ۱۳/۰۶/۱۴۰۴ با عنوان فوق‌الذکر، تکذیب رسمی و اخطار قانونی اعلام می‌گردد. گزارش مزبور مشتمل بر ادعاهایی موهوم، غیرمستند و خلاف واقع علیه این شرکت و حتی برخی مراجع اداری و مسئولان شهرستان است و متأسفانه دستمایه بازنشر و سوءاستفاده برخی رسانه‌های خارج از کشور نیز قرار گرفته است. ادعاهای مطرح‌و به شرح زیر بی‌اساس بوده و فاقد هرگونه دلیل و مستند معتبر است:

- درباره تعداد متصرفان:** ادعای «آوارگی ۵۰ خانواده» کذب محض است. مطابق مستندات قضائی و دادنامه‌های صادره از مرجع صالح، تعداد اشخاصی که منازل مسکونی سازمانی شرکت را من غیرالحق در تصرف داشته‌اند، صرفاً ۱۱ نفر بوده‌اند، نه ۵۰ خانوار.
- وضعیت حقوقی محل مورد بحث:** در تقسیمات کشوری، محدوده موسوم به «شهرک حسن‌آباد» به لحاظ استقرار منازل سازمانی کارکنان شرکت، عنوان «روستا» ندارد از حیث حقوقی در زمره املاک و اماکن سازمانی شرکت قرار می‌گیرد. بنابراین استاد به ضوابط ناظر بر اراضی و املاک روستایی در این خصوص یی‌وجه است.
- مأمیت تصرف برخی کارکنان سابق:** برخی از متصرفان، کارکنان سابق شرکت بوده‌اند که پس از خاتمه رابطه استخدامی (ازجمله بازنشستگی) از تخلیه واحدهای سازمانی استنکاف کرده‌اند. از تاریخ انقضای فعالیت‌شان در شرکت، بد ایشان از «امانی» خارج و تصرف ایشان عنوان عدوانی یافته و قابل تعقیب حقوقی و کیفری است.
- فقدان هرگونه سند مالکیت برای متصرفان:** اشخاص متصرف فاقد هرگونه سند مالکیت (عادی یا رسمی) بوده و تعلق قانونی منازل سازمانی به شرکت، طبق نظریه هیئت کارشناسی منتخب دادگاه و همچنین رأی دادگاه بدوی مستندات ثبئی محرز شده است.
- مستندات مالکیت و واگذاری به نفع شرکت:** مالکیت حقوقی شرکت بر اراضی و منازل سازمانی موضوع گزارش، به استناد اسناد رسمی، سوابق ثبتی و تصمیمات و واگذاری‌های انجام‌شده مطابق قوانین لازم‌الاجرا (از جمله واگذاری‌های مستند به چند قانون حاکم در این حوزه) محقق و مسلم است.
- ادعای مربوط به «مدرسه»:** اطلاق عنوان «مدرسه» به امکان داخل مجموعه سازمانی، خلاف واقع درج شده است. مع‌الوصف، شرکت در راستای مسئولیت اجتماعی، برای فرزندان کارکنان خود که در منازل سازمانی سکونت دارند (که عده سانی شهرک را تشکیل می‌دهند) طی صورت‌جلسه و اسناد مربوط، یک قطعه زمین به مساحت ۸۴۱ مترمربع را در تاریخ ۲۳/۰۲/۱۴۰۲ به صورت مضطری جهت احداث فضای آموزشی و همچنین ساخت هنرستان دامپروری به اداره آموزش‌وپرورش شهرستان روانسر واگذار و اهدا نموده است؛ این اقدام، خود گویای بی‌پایگی ادعای مطرح‌و شده است.



علی نامجو

این یادداشت می‌کوشد تا مفهوم و معنای ایران را بازکود و در راستای درک و دریافت بهتر اهمیت و حقیقت ایران و برچیده‌شدن برخی تقابل دیدگاه‌ها در این زمینه، به سهم خویش گامی هرچند کوچک بردارد؛ زیرا بهترین صلاح و سلاح ملت را در هر زمان، همبستگی حداکثری می‌داند که آن هم جز با وנהادن اختلاف‌های کوچک و دل‌سپردن به خواسته‌های مشترک و مهم میسر نخواهد شد. از جنگ تحمیلی ۱۲روزه به این سو، به علت اقتضانات مربوط به جنگ و نیز بروز دیگر مسائل بحث‌برانگیز داخلی و خارجی، طبیعی است که واژه ایران را بیش از هر عصر و زمان دیگری شنیده‌ایم. هرکس از هر حزب و جناح و کرایشی، ترجیح‌بند همه سخنانش، ایران بود و همچنان هم هست. اما زود فهمیدیم که ایران اگر چه یک لفظ است، معنایی کاملاً یکسان در همه ذهن‌ها ندارد و همین امر موجب بروز بعضی ناهمگونی‌ها و خرده‌گیری‌ها در همان روزها شد. با کمی تساهل و تسامح می‌توان گفت که امروز، همه گروه‌های سیاسی و اجتماعی، یک وجه اشتراک و رشته پیوند گسست‌ناپذیر به نام ایران دارند و این دستاورد و سرمایه‌ای است سزای توجه و شکرگزاری؛ هرچند روش‌ها یا گاهی نیت‌ها، همسان نباشد. اما اینجا این پرسش قابل طرح است که ایران چیست؟ شاید با رسیدن به معنایی درست و همه‌پذیرتر از ایران، بتوان ایران را بهتر دریافت و نیز آن را از آفات بسیاری از اختلاف‌نظرها و «اختلالات شناختی» دور داشت. ایران هرچه باشد، بدون ربط و پیوند با مردم خود و ساحات فردی و اجتماعی آنها نخواهد بود. انسان، به نوع خویش نیازهایی دارد که سراسر زندگی در پی رسیدن به آنهاست. هر شیء و مفهومی که رفع‌کننده نیازهای فردی و اجتماعی انسان‌ها باشد، در زیست انسانی اهمیت و برجستگی می‌یابد و می‌توان گفت که نیازهای انسان بر بنیاد ساحات جسمی و روانی او، نیازهای گوناگون مادی و معنوی را در بر می‌گیرد. وطن یکی از مهم‌ترین بسترهای رفع نیازهای انسان است. مردمان یک سرزمین، خواسته‌های مادی و معنوی خود را نخست از کنجینه‌های مادی و فکری سرزمین خویش به دست می‌آورند و از همین روست که از گذشته تاکنون، آدمی در پی به‌دست‌آوردن سرزمین‌های غنی‌تر و بهره‌بخش‌تر بوده است. افزون بر این، بنا بر اقتضانات ذهنی و عاطفی انسان، زیستن در یک سرزمین، نوعی وابستگی عاطفی و زیستی به آن سرزمین ایجاد می‌کند که خود به ایجاد نیازی دیگر که جنبه روانی دارد، می‌انجامد. یعنی مثلاً قومی که زیستگاهی را به دلیل وجود آب و زمین یا چراگاه آن برگزیده است، پس از چندی، همان سرزمین را دارای جایگاهی افزون بر موقعیت و مزایای جغرافیایی می‌یابد و وطن، از یک بستر مادی آرامنده جسم، به آغوشی که آرامی جان و روان هم می‌بخشد، تغییر و تعالی می‌یابد. خاصه اگر آن سرزمین، به مظاهر و تجلیات اندیشه‌های معنوی و جهان‌شناختی که از مهم‌ترین نیازهای بشر است نیز بیامیزد. آنچه گفتیم در ملت‌های تمدن و ریشه‌دار افزون‌تر از ملل دیگر است. یافته‌ها و تجربه‌های معنایی و جهان‌شناسانه انسان‌ها اعم از نگاه‌های اساطیری، باورها و هنجارهای دینی و پژوهش‌های فلسفی نیز هر یک به تناسب و هماهنگی با نوع خویش، پیوندی خاص با سرزمین انسان دارند و

از ایران تا ایرانیان



از ایران تا ایرانیان

قابل توجه و تاریخ‌ساز بود چون یکی از مردمی‌ترین تحول‌خواهی‌ها و تعالی‌خواهی‌های تاریخ ایران به شمار می‌آمد. در نگاهی کلی‌تر، انسجام پیوسته مردم ایران در زمان‌های مهم تاریخ که نوعی همبستگی تکنرئیزبرای اهداف بزرگ ملی-میهنی بوده است نیز ریشه در منفعت و هویتی همگانی دارد که براساس خواسته‌ها و آرمان‌های همگانی، تاکنون پایسته است. برای مثال، یکپارچگی سرزمینی اهمیت دارد زیرا تأمین‌کننده منافع جمعی ما مردم ایران است در امور مادی و نیز اعتباربخش به وجود معنوی‌مان در عرصه تمدنی و اندیشگانی.

خوشبختانه این اصل مهم امروزه بر کرسی پوشیده نیست و اهمیت مردم را بارها از زبان صاحب‌نظران و بزرگان و مسئولان شنیده‌ایم اما یادکرد آن و نگرینست ژرف به بیانی آن، می‌تواند ما را در ترسیم نقشه راه و تعیین انتخاب‌ها و تدبیر رفتارهایمان یاری کند. همه ما باید بدانیم که هر بعدی از ابعاد مادی و معنوی ایران به نوعی مستقیم یا غیرمستقیم، به بخشی از خواسته‌ها و یافته‌های مردم ایران بازمی‌گردد که بی‌توجه به آنها، معنای قصدشده از ایران، ابتر است و بی‌بر.

هر کتش، گفته، تدبیر و آرمانی که با اکثریت مردم ایران در پیوند باشد، به مفهوم ایران نزدیک‌تر است. یادآوری این نکات، تمریش خواهد بود زیرا امروزه که گروه‌ها و جریان‌های گوناگون ایرانیان در پی ارائه نظر و کشودن راه برای گذراندن این سرزمین و مردمش از دشواری‌ها و مصون‌داشتن آنها از آسیب‌ها هستند، این اصل بیش از هر چیز سزای توجه همگان است که ایران، یعنی ایرانیان، یعنی نیاز، اراده و عزت مردم ایران. همه ما باید بدانیم که هر کتش یا بیششی از ما که خلاف این جریان باشد، هرچند به نام ایران باشد، به کام ایران نخواهد بود. چاره‌جویان، مسئولان و منتقدان باید باور داشته باشند که تصمیم‌ها و اعمال‌نظرهایی که به تضعیف و فروکاست آرمان‌های تمدنی، اجتماعی و اندیشگی، همچنین دشوارشدن زیست مادی و معنایی مردم بینجامد، اگرچه در نیت برای مردم باشد، در عمل، سزای مردم نخواهد بود.

پایان سخن باید گفت که هر امری در سپهر سیاسی و اجتماعی ایران، آن‌گاه بروز و ظهور خواهد یافت که ریشه در قلب، ادراک و

انجیده خود ایرانیان داشته باشد و این نکته بدیهی، برگ‌برگ تاریخی کشورمان را به گواهی خویش دارد؛ همچنین، مستطهر به کلام رحمانی پرورگارگد نیز هست (آیه ۱۱ رد) که در آن به آشکاری سرنوشت هر قوم را وابسته به اراده و خواست آن قوم می‌داند.

فهرست بلند «خط خوردگان»

نیازهای درمانی من یا همسرم شود». «امیر» مدیر ساختمانی است که در آن زندگی می‌کند: «به من گفته‌اند که تراکش‌های مالمی ام زیاد است، در حالی که من به علت مسئولیتی که پذیرفته‌ام، مبالغ زیادی به حسابم واریز و هزینه ساختمان می‌شود. اما به دلیل همین موضوع نه‌تنها باران‌هام قطع شده بلکه از دریافت کالاپرک هم محروم شده‌ایم، این در حالی است که در جهان از بازنشتگان حمایت‌های خاص می‌کنند».

حرکت به سمت ناکارآمدی

کامل دلپسند، جامعه‌شناس توسعه اجتماعی- اقتصادی، معتقد است ایده هدفمندی یارانه‌ها با توجه به وضعیت رفاه ایرانیان درست نیست. زیرا هدف آن عدالت توزیعی و اصلاح وضعیت حامل‌های انرژی بود. با این حال به نکاتی در این زمینه اشاره می‌کند و به «شرق» می‌گوید چالش‌های ایجادشده در چند سال اخیر در عمل این قانون را به سمت ناکارآمدی برده است: «یکی از این چالش‌ها رویکرد هر دولت نسبت به هدفمندی یارانه‌ها بوده است. یعنی دولت متناسب به هر جناح این قانون را بر اساس ارزیابی‌ها، داده‌ها و شرایط اقتصادی خود اجرا کرد. از طرف دیگر تورم بیش از اندازه‌ای که طی ۱۵ تا ۱۰ سال اخیر در نظام اقتصادی رخ داده به‌علاوه اعتراضات مدنی رخ‌داده در سال‌های اخیر هم، از جمله مسائلی هستند که اجرایی‌کردن این قانون را با چالش مواجه کرده‌اند. به بیان دیگر هر دو مسئله دولت‌ها را نسبت به اجرایی‌کردن قانون هدفمندسازی یارانه‌ها بسیار محتاط‌تر کرده است». این جامعه‌شناس به حذف برخی دهک‌های درآمدی از روند دریافت یارانه اشاره می‌کند: «با توجه به کاهش شدید ارزش پول ملی، عملاً نرخ یارانه عدد قابل توجهی نیست، یعنی اگر قانون به‌درستی اجرایی می‌شد، الان باید به نسبت تورم و به نسبت قیمت حامل‌های انرژی مبلغ یارانه‌ها افزایش می‌یافت. اما شهروندان ایرانی یارانه را به عنوان حق طبیعی خود در نظر می‌گیرد. معتقدم این نگاه ناشی از آن است که مردم می‌خواهند آزادی انتخاب داشته باشند یعنی کسانی که یارانه را دریافت کنند یا از آن انصراف دهند، قطعاً همراهی و همسویی جمعی اتفاق می‌افتاد».

برخورداری از حداقل‌های زندگی، رفاه نیست

او از شاخص‌های در نظر گرفته‌شده برای هدفمندی یارانه‌ها هم انتقاد می‌کند: «شاخص‌های در نظر گرفته‌شده برای دهک‌بندی نیازمند به‌روزرسانی و اصلاح است. این به‌روزرسانی براساس وضعیت تورم می‌تواند نظام تصمیم‌گیری مبتنی بر دهک‌ها را تغییر دهد، اگر چنین تغییری رخ دهد قطعاً منجر به افزایش رضایت عمومی خواهد شده. دلپسند بر این باور است که دولت باید به اعتراضات افرادی که از روند دریافت یارانه حذف شده‌اند، براساس داده‌های متقن و دقیق رسیدگی کند تا شهروندان احساس کنند اعتراضات‌شان نسبت به حذف‌شدن‌شان از دریافت این منابع به صورت دقیق پاسخ داده خواهد شد. مسئولان باید به این نکته توجه کنند که هر قدر هم مبلغ یارانه‌ها کم باشد، به دلیل ناپایداری اقتصادی، مردم به همین مبالغ هم دلخوش‌اند». به گفته او، در جامعه ایران، مردم تا آخرین روز عمر خود درگیر تأمین نیازهای اولیه زندگی‌اند؛ یعنی برخورداری از مسکن، خودرو و رفاه نسبی. در حالی که برخورداری از این موارد ابتدایی‌ترین امکانات زندگی است: «در جهان امروز داشتن یک ملک یا خودرو، نشان‌دهنده رفاه نیست. اگر فرد سرنهایی نداشته باشد چگونه و کجا زندگی کند؟ از طرف دیگر امروزه دولت‌ها اشراف اطلاعاتی بسیار دقیقی دارند، یعنی حساب‌های بانکی مردم و میزان تراکش‌های بانکی آنها به دقت رصد و پایش می‌شود. بنابراین ضروری است که به همان نسبت هم خود را متعهد به ارائه خدمات به شهروندان بدانند». دلپسند این را هم اضافه می‌کند که اگر تصمیمات دولت در حوزه هدفمندی یارانه‌ها یا اجرای هر پروژه دیگری بدون در نظر گرفتن منافع عمومی مردم باشد، باعث انباشت اعتراض‌های ذهنی در شهروندان می‌شود.

سلامت

۱۸درصد، کمبود آهن دانش‌آموزان دختر متوسطه اول و دوم

ایستنا: مدیر دفتر بهبود تغذیه جامعه وزارت بهداشت درباره شیوع کم‌خونی در کشور و برنامه مکمل‌یاری با آهن در مدارس دخترانه (مقطع متوسطه اول و دوم) توضیح داد.
احمد اسماعیل‌زاده درباره برنامه مکمل‌یاری در مدارس گفت: «برنامه مکمل‌یاری با آهن و ویتامین D سالانه به‌طور معمول با آغاز سال تحصیلی اجرا می‌شود و معاونت‌های بهداشتی دانشگاه‌های علوم پزشکی، مکمل‌های لازم را براساس «دستورالعمل کشوری مکمل‌یاری» در اختیار میدان مدارس قرار می‌دهند تا مکمل‌ها در میان دانش‌آموزان توزیع شود». او درباره چگونگی توزیع مکمل آهن برای دانش‌آموزان گفت: «دختران مقطع متوسطه اول و دوم، یک مکمل که حاوی ۳۰ تا ۶۰ میلی‌گرم آهن است، به صورت هفتگی به مدت ۱۶ هفته دریافت می‌کنند. مکمل آهن با هدف پیشگیری از کم‌خونی توزیع می‌شود. براساس دستورالعمل کشوری مکمل‌یاری، هدف از توزیع مکمل آهن در میان دانش‌آموزان مقطع متوسطه اول و دوم، «پیشگیری از کمبود آهن» و «پیشگیری از کم‌خونی فقر آهن» است و «درمان کمبود آهن» هدف اجرای این طرح نیست». مدیر دفتر بهبود تغذیه جامعه وزارت بهداشت با بیان اینکه کمبود آهن می‌تواند تمرکز، یادگیری، رشد و تکامل را تحت تأثیر قرار دهد، افزود: «اگرچه برنامه مکمل‌یاری با آهن در کشور اجرا می‌شود، اما متأسفانه میزان کم‌خونی و کمبود آهن در این گروه بسیار زیاد است. براساس گزارش‌های دانشگاه‌های علوم پزشکی، میزان کمبود آهن در این گروه سنی (مقطع متوسطه اول و دوم) حدود ۱۸ درصد است». اسماعیل‌زاده درباره برنامه وزارت بهداشت به منظور بهبود توزیع مکمل آهن در مدارس گفت: «وزارت بهداشت در نامه‌ای خطاب به وزارت آموزش و پرورش از این وزارتخانه خواسته است کلاس‌های آموزشی درباره مکمل‌ها و نقش آن در سلامتی برگزار کنند؛ به نحوی که شرکت در این کلاس‌ها جزء موارد رایج‌آموزی به حساب آید و مشمول امتیاز قلمداد شود».

یادداشت

وزارت تعاون، کارورفاه اجتماعی

وقتی ایشان انتخاب شد، در مجلس در هیئت یک استاد فرهیخته، در سخنرانی‌اش آینده علمی و زیبا و هدفمندی

را برای حوزه کاری‌اش تعریف کرد. واقعا منطقی‌ترین سخنرانی وزرای پیشنهادی کابینه بود. به آن سخنان، دستان ایشان و شاید جامعه اصلاح‌طلبی خیلی افتخار کردند. اجرای این کار علمی طبعاً به سازماندهی نیاز داشت. مشاورانش که آدم‌های صادقی بودند، ماه‌ها مشغول غریبال نیروها شدند تا مجموعه‌ای یک‌دست برای تحقق این برنامه آماده کنند. کادر موجود در وزارتخانه، نبود نیروی کافی برای اهداف در نظر گرفته‌شده و سواس زیاد مشاوران مانع از شروع به کار این مجموعه سنگین می‌شد. در عمل مجبور بودند به نفع واقعیت، مدام از آن آرمان‌ها فاصله بگیرند. عمل نه کار موفق صورت می‌گرفت و به آن آرمان‌ها به عمل نزدیک می‌شد. آقای مدیری می‌خواست با ژست دانشگاهی‌اش نظراتش را عملی کند. کار خوبی می‌شد، اما موتور وزارتخانه بزرگی مثل رفاه با شرکت‌ها و مؤسسات بزرگ وابسته را نمی‌شد خاموش کرد تا زمینه پیاده‌شدن آرمان‌های وزیر فراهم شود. این مشکل خیلی از وزارتخانه‌هاست که وزرا با هدف‌های بسیار مدرن و خوبی وارد می‌شوند، اما واقعیت بوروکراسی و سنگینی دولت پر حجم و بزرگ اجازه نمی‌دهد. خیلی‌ها تسلیم واقعیت می‌شوند و کارهای جاری را رزق‌ووفق می‌کنند. بعضی‌ها هم مثل دوست عزیزمان آقای میدری، چون اصلاً اجرایی نبودند، نه آرمانش عملی می‌شود و نه کار دولتی‌هاست. استاد دانشگاه عالی‌الزاما، وزیر متوسطی می‌تواند باشد، سرنوشت وزارت رفاه این‌چنین است که هم دانشگاه‌ها از یک استاد خوب محروم شده و هم وزارت کار، رفاه و امور اجتماعی وزیر موفقی ندارد.